

جنبه های فرهنگی قدرت کدامند؟

مفهوم قدرت مستلزم تعیین زاویه ای است که افراد می خواهند از آن زاویه به رابطه خود با دیگران نگاه کنند. در مورد مفهوم قدرت در روابط انسانی، می توان در سراسر جهان ، تجربه ها ، سنت ها و شیوه های گوناگونی را مشاهده کرد. برای مثال ، در برخی از کشورها مشاهده می شود که فرهنگ حاکم بر کشور باور یا اعتقادی را مورد تایید قرار می دهد مبنی بر این که باید در هر سازمان قدرت به صورت یکسان (بین اعضا) توزیع شود.

ایتالیا، فرانسه، ژاپن، هند و برزیل در زمره کشورهای قرار می گیرند که مردم والامقام و ممتاز را برتر میدانند، زیرا تصور بر این است که افراد والامقام و ممتاز تافته ای جدا بافته اند و مردم می کوشند تا آنجا که امکان دارد به این افراد ممتاز ارج نهند و آنها را بسیار قدرتمند بدانند. در ایالات متحده امریکا، دیر زمانی است که پدیده قدرت مورد توجه بوده است و مردم آمریکا درباره این پدیده دیدگاه دوگانه ای دارند. برای درک نگرش فرهنگ درباره قدرت باید کوشید بستر تاریخی را که منشاء پیدایش و سیر تکوینی آن بوده است شناسایی کرد. بنابراین ، از همین دیدگاه است که شناخت های متفاوت ریشه در دیدگاه های (یا شناخت های) متفاوتی دارند که مردم کشورهای مختلف درباره سازمان و مدیریت دارند.

دکتر حمید سرایداریان